

خیلواکی



استقلال

[www.esteqaal.net](http://www.esteqaal.net)

۰۹ جون، ۲۰۲۳

داکتر ضیا نظام

## زخم ناسور ماجرای حقابه ایران از رود هلمند



USACE Photo by Karla Marshall

تصویری از منطقه هامون هلمند

جنگال بر سر حقابه رود هلمند در هفته های اخیر بین طالبان و ایران افزایش یافته است. دولت ایران طرف طالبان را متهم می کند که حقابه آن کشور را از دریای هلمند نمی دهد، اما طالبان ادعا دارند که به دلیل خشک سالی، افغانستان با کم آبی روبه رو بوده و با توجه به مقدار آبی که در رودخانه هلمند جاری است، حقابه ایران را به پیمانۀ کافی داده اند. مقامات

[salamwatanam@gmail.com](mailto:salamwatanam@gmail.com)

ایرانی این توضیح طالبان را قبول ندارند و به آن اعتراض کرده و مدعی‌اند که آب در بند کمال خان ذخیره شده و حقایق ایران به آن کشور داده نشده است. رییس جمهور ایران با لحن تند و غیردبیلماتیک به طالبان هشدار داد و گفت که سخنان او را جدی بگیرند. او افزود: «به حاکمان افغانستان اخطار می‌دهم که حق مردم و منطقه سیستان و بلوچستان را سریعاً بدهند.» طرف ایرانی برای بررسی ادعای طالبان مبنی بر کم شدن آب، خواستار راستی‌آزمایی از طریق اعزام اشخاص فنی شده است؛ اما طالبان اجازه بازدید از بند های کجکی و کمال خان را نداده و گفته‌اند که در موافقت‌نامه، چنین چیزی ذکر نشده است.

در مورد تقسیم آب این دریا تا به حال چند موافقت‌نامه امضا شده است. در موافقت‌نامه اول (۱۹ اگست ۱۸۷۲) سهم ایران محدود نشده بود و بیش از نصف آب به ایران می‌رفت. در موافقت‌نامه دوم (۱۰ اپریل ۱۹۰۵) یک سوم آب دریای هلمند به ایران داده شده بود. موافقت‌نامه سوم در سال ۱۹۳۷ امضا شد که در آن نصف آب دریای هلمند به ایران اختصاص یافته بود. آن معاهده در مجلس وزرای افغانستان تایید شد؛ اما شورای ملی تصویب نکرد. لذا موضوع لاینحل باقی ماند، تا سرانجام به تاریخ ۱۳ مارچ ۱۹۷۳ موافقت‌نامه تازه‌ای بین صدر اعظم افغانستان و ایران به امضا رسید و در پارلمان‌های دو کشور نیز تصویب شد. رییس‌ان دولت‌های ایران و افغانستان نیز آن معاهده را توشیح کردند. تا کنون آن معاهده نافذ شمرده می‌شود. این معاهده جامع است و در آن همه جوانب موضوع در نظر گرفته شده است. معاهده مذکور دو پروتکل ضمیمه نیز دارد.

طوری که تذکر رفت، مفاد این معاهده تا امروز نافذ است و هر دو طرف خود را به آن متعهد می‌دانند، و هر گاه اختلافی به میان آید، براساس همان معاهده «استدلال» می‌کنند. در آن معاهده مقرر شده است که در هر ثانیه به مقدار ۲۶ مترمکعب آب و سالانه معادل ۸۵۰ میلیون مترمکعب آب در وضعیت عادی آبی، به خاک ایران جاری شود. این مقدار، ۱۸ درصد کل آب دریای هلمند را می‌سازد. چهار مترمکعب آب در ثانیه نیز به‌عنوان حسن نیت و علائق برادرانه، غیر از سهم اصلی به ایران داده می‌شود.

مطابق ماده چهارم این معاهده، طی سال‌هایی که در اثر خشک سالی یا کم‌آبی جریان آب دریای هلمند نسبت به سال‌های عادی کم باشد، سهمیه ایران هم کم می‌شود. به عبارت دیگر،

مقدار آبی که به ایران از این دریا داده می‌شود کاملاً منصفانه بوده و بعد از سنجش‌های طولانی و دقیق تعیین شده است. اما افغانستان حق ندارد ایران را از حبابه ای که در معاهده تعیین شده، قسماً و یا کلاً محروم سازد.

افغانستان با حفظ تمام حقوق، باقی آب رود هلمند را هر طوری که خواسته باشد می‌تواند به‌مصرف برساند. بالمقابل، در همان ماده تذکر رفته است که ایران بیشتر از مقداری که در معاهده تثبیت شده است، هیچ‌گونه ادعایی بر آب هلمند، ندارد. محاسبه مقدار آب توسط دستگاه آب‌شناسی دهر اوود انجام می‌شود که بالاتر از مدخل بند کجکی نصب شده است. سال عادی و غیر عادی توسط این دستگاه تشخیص می‌شود.

جهت اجرای احکام این معاهده، هر کشور یک کمیسیون و یک معاون کمیسیون را از اتباع و ماموران عالی رتبه خویش تعیین می‌کند. وظایف کمیسیونان در پروتکل شماره یک ضمیمه معاهده، توضیح داده شده است. آن‌ها در کلیه مسایل مربوط به اجرای معاهده از دولت خود نماینده‌گی کرده و جهت حل سریع مسایل ناشی از اجرای معاهده سعی می‌ورزند.

در صورت بروز اختلاف در تعبیر یا تطبیق مواد معاهده، طرفین از طریق مذاکرات دیپلماتیک، ثانیاً از طریق صرف مساعی جمیله مرجع ثالث، برای حل اختلاف سعی خواهند کرد. هر گاه این دو مرحله تلاش به نتیجه نرسد، اختلاف مذکور براساس مواد مندرج پروتکل شماره دوی ضمیمه معاهده، به حکمیت واگذار می‌شود. دیوان حکمیت متشکل از سه عضو است. هر یک از طرفین یک تن را حکم تعیین می‌کند و حکم سوم که رییس دیوان حکمیت نیز است، با موافقت طرفین انتخاب می‌شود. در صورت عدم موافقت طرفین یا یکی از جوانب، از دبیر کل سازمان ملل متحد تقاضا می‌شود تا حکم سوم را تعیین کند. حکمی که از طرف دیوان حکمیت صادر می‌شود، قطعی و لازم‌الاجرا است.

این معاهده همراه با دو پروتکل ضمیمه‌اش، جامع و مکمل است. حکومت آن وقت افغانستان با صبر و حوصله‌مندی و اصرار به موقف خویش سرانجام موفق به عقد چنین معاهده مهم و همه‌جانبه شده بود که در آن همه حالات مدنظر گرفته شده و حبابه ایران هم منصفانه تعیین شده است. راه‌های حل اختلاف هم پیش‌بینی شده است. از این رو، اختلافات در صورت حسن نیت طرفین، به آسانی حل می‌شود و نیاز به تهدید و زورگویی نیست. اما متأسفانه دیده

می شود که طرفین با وجود استناد به مواد معاهده، به جای گفت و گو و برخورد تخصصی به مساله آب، آن را بهانه ای برای مباحثه بر سر مسایل دیگری غیر از آب می سازند. از جمله به نظر می رسد که طرفین با به کار بستن عبارات به ظاهر ملی گرایانه تلاش دارند برای کاهش فشارهای داخلی و برانگیختن احساسات ملی مردم، از مساله آب بهره بجویند. اگر به راستی طرفین بر سر مقدار حقایق ایران و چگونگی سنجش آن اختلاف نظر دارند و آب بهانه ای برای تسویه حساب های دیگر نیست، باید آن را به دیوان حکمیت راجع سازند. هند و پاکستان زمانی اختلافات شان بر سر دریای سند را به کمک بانک جهانی حل کردند. دیوان حکمیت حکم صادر کرد و هر دو طرف آن حکم را پذیرفتند. به این ترتیب، اختلافات دو کشور بر سر آب به شکل مسالمت آمیز حل شد.

پایان